

مسئولیت جمعی و حقوق مصرف کنندگان

افراسیاب رضایی*؛ کارشناس ارشد حقوق

مهدی یوسفی صادق‌قلو؛ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

علی زارع؛ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۲۳

پذیرش نهایی: ۹۷/۳/۱

چکیده

گسترش تولید انبوه محصولات و تولید محصولات مشابه توسط شرکت‌های متعدد، مشکلاتی را در زمینه انتساب خسارت و جبران آن برای مصرف کنندگان ایجاد نموده است. یکی از راهکارهای حفظ حقوق مصرف کننده، برقراری مسئولیت جمعی برای تولید کنندگان کالاهای مشابه است که در حقوق تطبیقی و بخصوص حقوق آمریکا به نحو گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته و کارآیی مناسبی در این زمینه داشته‌اند. دعاوی جمعی از زمان طرح آن تا اقامه در دادگاه و رسیدگی مراحل مختلفی را پشت سر نهاده و حل فصل چنین اختلافاتی آیین خاص خود را خواهد داشت که در دو گفتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت، مسئولیت جمعی، مصرف کننده.

مقدمه و بیان مسأله:

امروزه همراه با گسترش تولید انبوه، تعادل قدرت معاملاتی میان تولیدکنندگان و توزیع کنندگان از یک سو و مصرف کنندگان از سوی دیگر تا حدی بهم خورده است، این مسئله چالش‌های بسیاری را ایجاد نموده و لزوم حمایت خاص قانونگذار از مصرف کنندگان را مطرح ساخته است. در این راستا حقوق مصرف با استفاده از ابزارهای ماهوی و شکلی به تنظیم مجدد قراردادهای پرداخته و به منظور پیشگیری از ورود خسارت و جلوگیری از تضرر مصرف کنندگان از طریق استفاده از کالای معیوب یا خطرناک و یا از طریق سوء عرضه تولید کنندگان، گام اول و اساسی، تدوین و به کارگیری قواعدی با رویکرد پیشگیرانه است که در این فرایند نظام‌های حقوقی در دنیا گام‌های مهمی را جهت پیشگیری از ورود خسارت به مصرف کنندگان برداشته‌اند که در این زمینه، وضع قوانین کیفری بر علیه تولیدکنندگان محصولات معیوب و خطرناک نیز علاوه بر اینکه گامی در راستای پیشگیری مورد محسوب می‌گردد، بیانگر جدیت نظام‌های حقوقی در پیشگیری از ایراد خسارت به مصرف کنندگان تلقی می‌گردد. حال با وجود تدوین تمامی قوانین و قواعد آمره در راستای پیشگیری از ایراد خسارت

به مصرف کننده که در راستای حمایت از مصرف کننده صورت می پذیرد، با لحاظ احتمال ورود خسارت به مصرف کننده، که امروزه با توجه به تولید محصولات در سطح انبوه و وجود بازارهای گسترده اقتصادی، متضرر شدن از مصرف محصولات معیوب یا روش‌های متقلبانه که به نوعی حقوق مصرف کننده را تضییع می کند، امری اجتناب ناپذیر است، وضع قوانین و قواعد جبران کننده ضرر وارده به مصرف کننده، گام ضروری بعدی در راستای شناسایی مسئولیت عرضه کنندگان کالاهای معیوب یا خطرناک برای جبران خسارت وارده به مصرف کنندگان این قبیل کالاها می باشد، به نحویکه تدوین قوانین و مقررات به منظور جبران سهل و سریع خسارت وارده به مصرف کننده، امری لازم و ضروری تلقی گردیده و مورد توجه اکثریت نظام های حقوقی معتبر دنیا است، چرا که پرواضح است که اعمال قوانین و مقررات در بردارنده قواعد پیشگیرانه به تنهایی نمی تواند به طور کامل از مصرف کننده کالاهای معیوب یا خطرناک حمایت نماید.

لذا هر نظام حقوقی علاوه بر تدوین قواعد حقوقی یا کیفری پیش گیرانه، ورود خسارت به مصرف کننده، ناگزیر از وضع قوانین و مقرراتی در جهت جبران خسارت وارده به مصرف کننده این قبیل کالاها خواهد بود. در این راستا، جبران خسارات وارده به مصرف کننده و تعیین روشهای متناسب برای این امر، در گام بعدی به عنوان یکی از راهکارهای اساسی در حمایت از حقوق مصرف کننده محسوب می گردد. حال با توجه به این که حقوق افراد جامعه به وسیله قوانین ماهوی و شکلی تضمین شده و مورد حمایت قرار می گیرد، در کنار تدوین و ارائه راهکارهایی در خصوص ماهیت امر مبنی بر چگونگی جبران خسارات وارده به مصرف کننده از لحاظ ماهوی و تعیین نوع و میزان مسئولیت تولید کنندگان در خصوص خسارات وارده، پیش‌بینی ابزارهای شکلی مناسب که طرح دعوا و پیگیری مطالبات مصرف کنندگان را تسهیل نماید، از لوازم ضروری اجرای قوانین ماهوی تلقی می‌شود. بدیهی است در برخی موارد به دلیل عدم وجود قوانین و ابزارهای شکلی متناسب جهت احقاق حق یا مقرون به صرفه نبودن آنها از منظر تحلیل اقتصادی، به دلایل متعددی قوانین و قواعد ماهوی موجود در خصوص جبران خسارات وارده به مصرف کننده نیز غیر قابل اجر باقی می ماند.

در این راستا، اهداف تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. بررسی نهاد مسئولیت جمعی در حقوق تطبیقی و بررسی امکان به کار گیری آن در حقوق ایران؛
۲. بررسی چالش های موجود در زمینه مسئولیت جمعی در حقوق مصرف؛

۳. بررسی نقش مسؤولیت جمعی در پیشگیری از عرضه کالاهای معیوب.

بدین ترتیب، تبیین و بررسی نظریه های مسؤولیت محض و مسؤولیت گروهی به عنوان یک از مبانی های ماهوی جبران خسارات وارده به مصرف کننده به همراه تبیین و معرفی کارکرد دعوای گروهی و چگونگی اقامه آن به عنوان یکی از ابزارهای شکلی جبران حقوق مصرف کننده، در این تحقیق پیشنهاد شده است.

مبانی نظری

مسؤولیت جمعی

مسؤولیت جمعی به نوعی از مسؤولیت گفته می شود که در آن تولیدکنندگان کالای مشابه به دلیل عدم قابلیت تشخیص نقش محصول یکی از آنها در بروز خسارت، به طور جمعی عهده دار جبران خسارت می شوند. بر این اساس به دلیل اینکه مسبب خسارت مشخص نیست، در عین حال تعداد تولیدکنندگان محدود می باشد، به نظر می رسد توزیع خسارت میان تمامی تولیدکنندگان، راهکاری است که امروزه مقبولیت بیشتری یافته است.

مسؤولیت جمعی تولیدکنندگان کالای مشترک

مسؤولیت جمعی تولیدکنندگان کالای مشترک مبتنی بر نظریه تضمین ایمنی کالا می باشد. منظور از تضمین ایمنی کالا این است که فروشنده هر کالایی، به هنگام فروش آن تعهد می نماید که کالای وی، ایمن، سالم و عاری از هر گونه عیب و نقض باشد بنابراین در صورتی که کالای مزبور معیوب باشد و موجب ضرر و زیانی گردد، متعهد ملزم می گردد تا خسارت وارده را جبران نماید. نباید تردید کرد، چرا که می توان چنین تعهدی را هم به صورت یک تعهد فرعی و هم به صورت یک تعهد مستقل در کنار قرارداد فروش کالا مد نظر قرار داد که بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی و مواد مربوط به شروط ضمن عقد، صحت چنین تعهداتی را می توان تأیید کرد.^۱

تضمین ضمنی^۲

منظور از این نوع تعهد، این است که فروشنده کالا یا تولیدکننده ای که خود فروشنده است در قراردادهای فروش کالا، به طور ضمنی متعهد می گردد که کالای سالم تحویل خریدار بدهد. به عبارت دیگر اشخاص مذکور تضمین می نمایند که کالای فروخته شده بوسیله آنها عاری از هر گونه عیب باشد. فلذا اگر کالای فروخته شده معیوب در آید و موجب ورود زیانی به خریدار گردد در آن صورت باید

^۱. ماده ۱۰ قانون مدنی مقرر می دارد «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون باشد نافذ است».

^۲. Implied warranty

گفت که متعهد به تعهد خود عمل نکرده است. الف) تضمین مناسب بودن کالا برای هدف فروشنده برسد و او نیز بداند که خریدار به مهارت و داوریش در باره انتخاب و تهیه کالای مناسب اعتماد کرده است. ب) وقتی خرید از کسی می‌شود که فروشنده کالایی از نوع مبیع است. تضمین ضمنی وجود دارد که مبیع نیز اوصاف آن نوع را دارا است.

تضمین صریح^۱

منظور از تضمین صریح یا تعهد صریح ایمنی کالا این است که فروشنده کالا در قرارداد فروش کالا به طور صریح تعهد و تضمین می‌نماید که کالای او از سلامتی و ایمنی برخوردار است و متعهد می‌گردد که در صورت اثبات خلاف آن، زیان‌های وارده به خریدار را تدارک ببیند به عبارت دیگر منظور از تعهد صریح کلیه کلمات، توصیف‌ها، عملکردها و علائم موکد از جانب تولید کننده و یا فروشنده است که در جریان انعقاد قرارداد به نحو مستمری ایجاد یک شرط در معامله می‌باشد. آنچه مسلم است این است که تضمین صریح از طرف فروشنده و تولید کننده، در رابطه با ایمنی کالای خود، نسبت به تعهد ضمنی از جایگاه کم اهمیت‌تری برخوردار است این بدان دلیل است که چون فروشنندگان در و تولید کنندگان در مقایسه با مصرف کننده و خریدار از قدرت اقتصادی قوی‌تری برخوردار می‌باشند و تا آنجا که ممکن است تلاش خواهند نمود تا خود را از زیر بار مسئولیت ناشی از کالا رهایی بخشند و این سیاست آنها را مجاب می‌سازد تا از درج تعهدات و تضمینات صریح در رابطه با ایمنی کالا خودداری ورزند. اما در مواردی که فروشنده از لحاظ قدرت اقتصادی از خریدار پایین‌تر است و یا حداقل مساوی است. ممکن است چنین تصمیماتی از طرف فروشنده و خریدار در قرارداد فروش کالا درج گردد. اما در خصوص صحت چنین تعهداتی نباید شک و تردید کرد، چرا که در واقع تعهدی است فرعی که به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد آمده است و با ملاحظه مواد مربوط به شروط ضمن عقد در قانون مدنی صحت چنین تعهداتی تأیید می‌شود.

در حقوق ایران نص صریحی در این مورد وجود ندارد اما به نظر می‌رسد که لازم نیست تا عباراتی مانند تضمین و عهد در قرارداد درج شود تا بتوان گفت که تعهد صریح صورت گرفته است. بلکه کافی است که از کلمات و عبارات استفاده شده در یک قرارداد بتوان وجود چنین تضمینی را برداشت کرد تا بتوان قائل شد که تعهد صریحی از طرف فروشنده صورت گرفته است، بنابراین اگر فروشنده اظهاراتی راجع به کیفیت، شرایط و انواع کالا بنماید و معامله نیز براساس آن اظهارات واقع شود می‌توان گفت

^۱. Express warranty

که در خصوص ایمنی کالا، یک تعهد صریحی در قرارداد صورت گرفته است. مسأله دیگر در رابطه با تعهدات صریح، مسأله آگهی‌ها و تبلیغات کالاهاست^۱. امروزه تبلیغات عنصری مهم در عرضه تولید کالا به حساب می‌آید. حال مسأله مهم این است که آیا می‌توان از تبلیغات این اشخاص به سود مصرف کنندگان استفاده کرد و آن را نوعی تعهد صریح به شمار آورد. با وجود این که در ایران در مورد تبلیغات قوانین زیادی تصویب شده است اما این قوانین اساساً جنبه کیفری تبلیغات را در نظر گرفته است. برای مثال ماده ۶۸ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ مقرر می‌دارد: «متخلفین از مقررات بندهای ذیل ماده با توجه به نوع و اهمیت موضوع به پرداخت... محکوم می‌شوند:

هر فرد صنفی که برای جلب مشتری در باره محصولات یا کالا یا خدمات برخلاف واقع تبلیغ یا اعلام حراج کند.» همچنین قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ در ماده ۵ مقرر می‌دارد. «هیچ یک از موسسات پزشکی و دارویی و صاحبان فنون پزشکی داروسازی و سایر موسسات مصرح در ماده یک این قانون حق انتشار آگهی تبلیغاتی که موجب گمراهی بیماران یا مراجعیه به آنها باشد و یا به تشخیص وزارت بهداشتی برخلاف اصول فنی و شئون پزشکی یا عفت عمومی باشد، ندارد و حق استفاده از عناوین مجعول و خلاف حقیقت بر روی تابلو و سر نسخه و یا به طرق دیگر و دادن وعده‌های فریبنده ندارند و همچنین دخل و تصرف و یا تغییر در نسخه پزشکی به هر صورت که باشد بدون اجازه پزشک از طرف داروساز ممنوع می‌باشد. متخلفین برای بار اول به پرداخت پنج هزار ریال جزای نقدی و به حبس تأدیبی از یک ماه تا چهار ماه و یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد.»

در لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان و در گزارش کارشناسی در باره لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان نیز در باره تبلیغات خلاف واقع کالاها تعیین تکلیف شده است^۲. درست است که هیچ

1. Advertisements

^۲. لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان به منظور تأمین حمایت دولت از حقوق مصرف کنندگان و تضمین اجرای مقررات استاندارد، ترویج روش درست عرضه و استفاده از کالا و به کارگیری نتایج خدمات و همچنین برای مقابله با اخلال در عرضه کالا و خدمات و پیشگیری از احتکار، افزایش قیمت‌ها و اضرار به غیره کاهش خطرات جنبی ناشی از استعمال نادرست کالاها و خدمات، تعیین ضوابط قانونی حاکم بر تولید، توزیع فروش و مصرف برقراری نظام مناسب تحقیق و تعیین مراجع رسیدگی به تخلفات ناشی از جریان ناصحیح عرضه کالاها و خدمات و پیش‌بینی راه‌های مناسب جبران خسارت وارده بر مصرف کنندگان پس از پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه و تصویب در هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۸ جهت طی تشریفات قانونی در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۲۳ تقدیم مجلس گردید این لایحه شامل ۲۳ ماده و یک تبصره می‌باشد. گزارش کارشناسی در باره لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان، لایحه دیگری است که وزارت بازرگانی در جهت حمایت از حقوق مصرف کنندگان آن را در سال ۱۳۷۹-۱۳۸۱ تهیه کرده و به کمیسیون‌های قانونگذاری مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده است.

کدام از این لایحه‌ها تصویب نشده است اما با توجه به این که این لایحه‌ها حاکم بر تولید و توزیع کالا می‌باشد و مسئولیت مدنی و کیفری تولید کنندگان و توزیع کنندگان کالا را مقرر می‌دارد.

ماده ۱۱ لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان در رابطه با تبلیغات خلاف واقع مقرر می‌دارد. «هر نوع تبلیغات خلاف واقع و ارائه اطلاعات نادرست در باره کالاها و خدمات ممنوع است.»

تبصره: آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارت بازرگانی با نظرخواهی از دستگاه‌های ذیربط تهیه و به تصویب هیأت دولت خواهد رسید. ماده ۷ گزارش کارشناسی در باره لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان نیز در این رابطه مقرر می‌دارد که «تبلیغات خلاف واقع و ارائه اطلاعات نادرست به همه اشکال از قبیل نوشتار، گفتار، تصاویر، کاریکاتور، طرح‌های گرافیکی از طریق وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌های گروهی و برگه‌های تبلیغاتی به نفع فروشنده جرم می‌باشد.»

تبصره: آیین‌نامه اجرایی این ماده با همکاری وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و بازرگانی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۸ این لایحه نیز (گزارش کارشناسی در باره لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان) مقرر می‌دارد «عرضه کنندگان کالا و خدمات یا تولید کنندگان و فروشندگان که مبادرت به تبلیغات خلاف واقع و ارائه اطلاعات نادرست (موضوع ماده ۷ این قانون) نموده‌اند، در صورت ورود خسارات ناشی از مصرف همان کالا و خدمات به مصرف کنندگان علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس تعزیری از ۶ ماه تا دو سال و جزای نقدی و حداکثر تا معادل ۲ برابر خسارات وارده محکوم خواهند شد.»

هر چند که با توجه به سکوت قانون ایران در این خصوص تضمین صریح بودن چنین تبلیغاتی مورد تردید است. اما به نظر می‌رسد که بتوان چنین تولید کننده و فروشنده‌ای را از باب غرور مسئول دانست. به خاطر این که تبلیغات باعث می‌گردد که مصرف کننده در باره ایمنی کالا دچار غرور گردد. بنابراین مغرور کننده وی (تولید کننده یا توزیع کننده) مسئول جبران خسارات وارده به مصرف کننده خواهد بود.^۱

از نظر پیشینه تجربی می‌توان گفت که تاکنون تحقیقات مبسوط و عمیقی در خصوص ارائه یک تئوری مبسوط برای تبیین شیوه‌های ماهوی و شکلی جبران خسارات وارده به مصرف کننده انجام نشده است و پژوهش‌های انجام شده در حوزه حقوق مصرف، بیشتر به تبیین مفهوم و ماهیت این

^۱ غرور یکی از قواعد فقهی است که حدیث مشهور حضرت رسول به آن اشاره دارد «الغرور یرجع الی من غره» دلالت حدیث عبارت است از این که کسی که از کسی گول می‌خورد حق رجوع به او را (گول زنده) برای مطالبه ضرر و زیان و خسارت وارده دارد.

موضوع پرداخته اند. البته در خصوص تقصیر جمعی و تقسیم مسؤولیت در برخی کتب حقوقی مطالبی وجود دارد از جمله:

- ۱- امامی، سید حسن: «حقوق مدنی»، ج ۱، اسلامیه، چ هشتم، ۱۳۷۶.
- ۲- جعفری تبار، حسن، مسؤولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران، دادگستر، ۱۳۷۵.
- ۳- صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، تهران، بی تا، چاپ دوم.
- ۴- صفایی، سید حسین، مفاهیم جدید در حقوق مدنی، تهران، ۱۳۵۵.
- ۵- قائم مقامی، عبدالمجید امیری، حقوق تعهدات، ج ۱، تهران، میزان، ۱۳۸۵.
- ۶- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسؤولیت مدنی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- ۷- لوراسا، میشل، ترجمه محمد اشتری، نشر حقوقدان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.

و برخی مقاله ها از جمله:

- ۱- قاسمی حامد، عباسی، جزوه حقوق مدنی تطبیقی، مقاله مروری اجمالی بر نظریه «تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد» از دیدگاه حقوق فرانسه، سال تحصیلی ۸۱-۸۰.
- ۲- نقیبی، سید ابوالقاسم، نظریه-ی جبران خسارت به حقوق معنوی کودک، بی-چا، تهران، ندای صادق، فصل-نامه-ی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۲ش.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق، توضیحی، تحلیلی و روش گردآوری مطالب در آن به صورت کتابخانه ای می باشد که در آن از منابع مکتوب (کتب، پایان نامه ها و مقالات) و منابع اینترنتی استفاده می شود. روش گردآوری داده ها در این بررسی به صورت کتابخانه ای بوده و در آن از منابع مکتوب و اینترنتی استفاده شده است.

نتایج و یافت ها

۱. جایگاه مسؤولیت جمعی و مسؤولیت جمعی تولید کنندگان در حقوق ایران

پس از اینکه مسؤولیت چند سبب احراز گردید این سؤال پیش می آید که مسؤولیت باید بر چه اساسی بین آنها توزیع گردد؟

الف: مسؤولیت تضامنی

برخی از حقوقدانان، قائم مقامی، مسؤولیت تضامنی سبب های مختلف ورود ضرر را پذیرفته اند و معتقدند که، چون خواننده و ثالث با هم خسارت را ایجاد کرده اند و عمل هر کدام به فعل دیگری اعطای سببیت کرده است پس نمی توان این چنین مسؤولیتی را تجزیه کرد. این گروه از حقوقدانان برای تأیید نظر خویش اقدام به استقراء و شمارش مواردی از نصوص قانونی می کنند که مسؤولیت

تضامنی در آنها پذیرفته شده است و چنین استدلال می کنند، چون در حقوق ما مسئولیت تضامنی کسانی که به اشتراک زبانی را ایجاد کرده اند مانند های فراوان دارد پس در این مساله نیز باید مسئولیت تضامنی سبب ها را پذیرفت.

اما با تمسک به قوانینی که در مواردی خاص ایجاد شده و بطور استثنائی مقرر گردیده اند، نمی توان یک قاعده کلی استخراج نمود زیرا ماده ی ۱۴ قانون مسئولیت مدنی در مواردی است که چند کارگر یا کارگران چند کارگاه با هم خسارتی را ایجاد می کنند و مسئولیت تضامنی در خصوص همین مورد به نفع زیان دیده پذیرفته شده است و یا اینکه مسئولیت غاصبان متعدد در ایادی متعاقبه فقط در مورد غصب پذیرفته شده است و همین طور بند ج از ماده ی ۱۶۵ قانون دریائی و مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه ی موتوری زمینی. در تمامی این موارد با توجه به ویژگی های خاصی که دارند قانونگذار احکام خاصی را پیش بینی و مقرر کرده است. پذیرفتن مسئولیت تضامنی در حقوق ما سابقه دارد اما نه به عنوان یک قاعده بلکه به عنوان حکم خاص و یک قاعده ی استثنائی، آن هم به تجویز قانونگذار. زیرا اصل این است که هر کس پاسخگوی اعمال خویش است و هر کسی بار گناه خویش را باید تحمل کند و هر کسی در گرو اعمال خویش است و... تمامی این ها اصل شخصی بودن مسئولیت در حقوق اسلامی را مورد تائید قرار می دهد مگر این که به دلیل خاصی خود قانونگذار بطور صریح این اجازه را اعطا نماید در غیر این صورت می توان گفت که، تضامنی بودن مسئولیت خلاف اصل است و از احصاء و استقراء قواعد خاص هم نمی توان یک حکم کلی استخراج نمود.

مهمتر از همه این است که مسئولیت تضامنی در روابط زیان دیده و عاملان (سبب های) حادثه ایجاد می شود و دعوای مسئولیت با دادن حق انتخاب به زیان دیده پایان نمی پذیرد. بنابراین باید ترتیبی داد تا مسئولیت عادلانه تقسیم شود (کاتوزیان، ۱۳۶۹، ص. ۸۸). پس به طور قطع در روابط بین سبب ها مسئولیت تضامنی نمی باشد و هر کسی پاسخگوی اعمال خویش است. بنابراین تقصیر هر کدام برای او ایجاد مسئولیت می کند. همچنین این شیوه از این جهت قابل انتقاد است که هدف اصلی جبران خسارت وارده است نه مجازات و کیفر دادن تقصیر (سبب مقصر). بنابراین باید دید که نسبت تأثیر هر یک از اسباب در زیان های وارده چقدر است؟ به همین دلیل است که عده ای از اساتید و حقوقدانان راه حل دیگری را ارائه داده اند.

ب. تقسیم مسئولیت به نسبت سهم هر یک از اسباب

برخی از اساتید معتقدند که باید مسؤولیت را به نسبت سهمی که هر یک از آنان در ایجاد خسارت داشته اند تقسیم کرد (صفایی، ۱۳۵، ص. ۳۹۵). این عقیده با مبانی حقوقی ما هم سازگاری دارد زیرا از یک طرف در حقوق ایران مسؤولیت تضامنی خلاف اصل است و اصل این است که هر کسی مسئول خسارات ناشی از عمل خویش است و قواعد استثنائی را نمی توان تعمیم داد. از طرف دیگر هیچ یک از مواد ۳۳۵ ق.م و ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی شیوه ی مسؤولیت تضامنی را نپذیرفته اند.

برخی از فقهای اسلام هم تضامن به ویژه تضامن عرضی را مورد استفاده قرار داده اند زیرا به عقیده ی ایشان اشتغال ذمه های متعدد نسبت به دین واحد امکان ندارد (خواساری، ۱۳۷۶). بنابراین از لحاظ نظری تقسیم مسؤولیت بر اساس میزان تاثیر هر یک از اسباب، امری منطقی و عادلانه بنظر می رسد. جالب این است که حتی طرفداران نظریه ی تضامن نیز در توزیع نهائی مسؤولیت، از این شیوه پیروی کرده اند زیرا در موارد مختلف نیز نصوص قانونی همین طریق را طی کرده است.^۱

ج. تقسیم مسؤولیت به طور مساوی

همانطوری که قبلاً بیان شد مقنن ایرانی در ماده ی ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی اشتراک در مسؤولیت به تساوی را پذیرفته است. این ماده قانونی از متون فقهی و نظرات فقهای امامیه (نظر مشهور) گرفته شده است. نکته حائز اهمیت این است که فقهای اسلامی مثالهای مورد نظر را بیشتر طوری انتخاب کرده اند که تاثیر هر یک از اسباب در نتیجه زیانبار بطور مساوی بوده است، بنابراین طبیعی است که حکم قضیه نیز همان خواهد بود. ظاهراً قانون مجازات اسلامی (در ماده ی ۳۶۵) حکم موردی را بیان می دارد که، تاثیر هر یک از سبب ها بطور مساوی است بنابراین مسؤولیت هم بنحو مساوی تقسیم می گردد. نتیجه ی این تحلیل این خواهد بود که ماده ی ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی در موردی که تأثیر هر یک از اسباب متفاوت باشد ساکت است.

به نظر می رسد که در حقوق ایران تقسیم مسؤولیت باید بر اساس میزان تأثیر هر یک از اسباب در نتیجه ی زیانبار صورت پذیرد زیرا همانطوری که گفته شد اولاً؛ مسؤولیت تضامنی با مبانی حقوق ما سازگاری ندارد ثانیاً؛ راه حلی را که ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی پیش بینی کرده است ناظر به موردی است که دخالت اسباب بنحو مساوی باشد و مؤید قضیه مثال های فقهای عظام در خصوص مورد است. بنابراین با ساکت بودن نص قانونی می توان از اصول کلی به عنوان قاعده استفاده کرد و نص ماده ۳۶۵ را اینگونه توجیه کرد که، اصل بر این است تأثیر هر یک از اسباب به طور مساوی است

^۱. قسمت اخیر ماده ی ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی، بند ج ماده ی ۱۶۵ قانون دریائی، مواد ۳۱۸ و ۳۲۰ قانون مدنی، تبصره ی ۴ و ۲ ماده ی اول قانون محکومیت های مالی.

پس تقسیم مسئولیت هم به طور مساوی خواهد بود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. یعنی حکم ماده ی مذکور قاعده ای را ایجاد می نماید که اگر تأثیر اضافی برخی از اسباب نسبت به برخی دیگر اثبات نشود اصل بر تساوی است. بنابراین اگر مدعی بتواند چنین ادعائی را اثبات کند قاضی پرونده باید بر همان اساس حکم دهد.

نکته شایان توجه این است که اگر این تحلیل پذیرفته شود تقصیر عامل مهمی در تعیین میزان تأثیر هر یک از اسباب خواهد بود و اگر چنین تحلیلی پذیرفته نشود باز سبب هائی که در ایجاد حادثه دخالت داشته اند با معیار تقصیر انتخاب می شوند. بنابراین این حکم به تساوی مسئولیت زمانی است که سبب ها به عنوان سبب مسئول معرفی و مورد قبول دادرس واقع می گردند و این در صورتی است که دادرس تقصیر هر یک از اسباب را به عنوان ضابطه ای مشخص برای تعیین سبب مسئول بکار گیرد. یعنی اگر در اجتماع عوامل و شرایط ایجاد خسارت بعضی با تقصیر و برخی بدون تقصیر باشند بطور قطع آن عواملی به عنوان سبب معرفی خواهند شد که در حوزه ی فعالیت خویش مرتکب تقصیر شده اند مگر این که قانونگذار یک مسئولیت عینی را بر عهده ی وی قرار داده باشد.

۲. ایجاد مسئولیت های جمعی در مورد تولیدکنندگان

الف. مرحله پیش از رشد؛ ب. مرحله رشد؛ ج. مرحله رشد کامل

الف. مرحله پیش از رشد

در مرحله پیش از رشد، محتوای دعاوی مسئولیت جمعی گروهی تا حد بسیار زیادی غیر شفاف می ماند و برای مثال، این عدم شفافیت ممکن است ظرفیت و توانایی کالای مورد بحث جهت ایجاد بیماری ای که خواهان ها از آن رنج می برند تحت الشعاع قرار دهد (ماریکا، ۱۹۹۶)^۱ همچنین عدم شفافیت مزبور ممکن است به دیگر ابعاد حقوقی یا استراتژیک دعوی نیز تسری یابد، از جمله آنکه آیا محاکم تئوری های مسئولیت ناشی از شبه جرم را در خصوص مسئولیت جمعی گروهی اعمال می کنند یا خیر و یا آنکه هیئت منصفه مایل خواهد بود که احکام اعاده خسارات مربوط به یک کالای شناخته شده را صادر نماید یا خیر (وندال، ۱۹۹۸)^۲ حتی در زمانی که کالای موضوع دعوی پیشتر از بازار جمع شده باشند، دیگر مسائل حقوقی در ارتباط با اعمال قوانین محدودکننده نسبت به اشخاصی که در معرض استفاده از کالای مورد اختلاف بوده اند بروز می کند. در هر صورت، زمانی که مسائل ماهوی دعوی در معرض شبهات ماهوی و اساسی باشد، وکلا و مشاوران خواهان ها، انگیزه های قوی دارند که

^۱. Marica

^۲. Vandall

تنها ادعاهای اشخاصی که متحمل شدیدترین و بارزترین آسیب‌ها و خسارات شده‌اند را انتخاب نمایند تا از این ريق رویه‌ای به نفعشان در خصوص ابعاد مورد اعتراض دعوی ایجاد گردد.

علاوه بر این، در سطح «پیش از رشد» اقامه دعوا، ممکن است وکلای خواهان‌ها هنوز راه زیادی داشته باشند که از طریق مرحله کشف^۱، تصویری کامل از عمل خواندگان ارائه نمایند. در واقع، شاید مهمترین هدف استراتژیک اقامه دعوی فوری از نقطه نظر مشاوران حقوقی خواهان‌ها، تحقیق برای کشف اسناد اثبات‌کننده جرم در میان مدارک خواندگان باشند، چرا که ممکن است در صورت اقامه دعوی دیرهنگام، خواندگان اطلاعات مربوط به خطرات کالا را معدوم نمایند (روزنبرگ^۲، ۱۹۹۶).

باید توجه داشت که کشف و تحقیقات علمی همگی هزینه بر هستند. از نظر حقوقی، خواندگان در مقابل خواهان‌ها از منفعت سیستماتیک بیشتری برای سرمایه‌گذاری در کشف و ایجاد شفافیت برخوردارند (راستد، ۱۹۹۲) نتیجه این است که محتمل است که خواندگان بیشتر در جهت کشف محتوای دعاوی غیر شفاف سرمایه‌گذاری نمایند، چرا که بدین ترتیب آن‌ها می‌توانند هزینه اقداماتشان را در سلسله دعاوی که می‌بایست از آن‌ها دفاع نمایند، پخش و توزیع نمایند.

ب. مرحله رشد

اثبات مسائل ماهوی کلیدی به هر نحوی که باشد موجب ورود دعوا به مرحله‌ی رشد می‌شود. از منظر حقوق مسؤولیت مدنی، هیچ دلیل و توجیهی برای برخورد ملایم با خواندگان وجود ندارد چرا که ایشان نه به تعداد کمی بلکه به تعداد کثیری از مردم آسیب رسانده‌اند. در این مرحله مشکل اصلی عبارت از چالش‌های شکلی ناشی از هجوم گسترده‌ی دعاوی مشابه است. به محض آنکه اثبات شود که دعاوی خسارات گسترده دارای اساس و مبنا هستند و از تعداد کثیری برخوردارند، دیگر مسئله تجمیع یا عدم تجمیع دادرسی **مرح** نیست بلکه مسئله این است که چگونه و چه زمانی دادرسی تجمیع شود.

علیرغم این، در این مرحله، خواندگان راه‌های زیادی برای ایجاد کارشکنی و مانع تراشی دارند. اگرچه هیچ مبنایی در حقوق مسؤولیت مدنی برای برخورد ملایم‌تر با خواندگان در مرحله رشد دادرسی وجود ندارد، اما هیچ دلیلی نیز برای برخورد شدیدتر با ایشان وجود ندارد. توجه به این نکته لازم است که حقوق مسؤولیت مدنی ارائه ادله‌ای خاص برای اثبات رابطه سببیت میان کالای تولیدی یک خواننده مشخص و آسیب‌های وارده به خواهانی مشخص را پیش از آنکه خواندگان ملزم به پرداخت خسارت شوند، ضروری می‌داند. در واقع، تاکید بر لزوم اثبات این نکته توسط خواندگان،

1. Civil discovery

2. Rosenberg

دقیقاً چیزی بود که باعث تلاش های قاضی وقت رابرت پارکر برای تسریع در رسیدگی قضایی به هزاران پرونده فدرال رسیدگی نشده از طریق به کار گیری تکنیک های نمونه گیری آماری شد. در نتیجه باید گفت که در مرحله رشد با بن بست جدی مواجه می گردیم، در واقع با وجود اینکه خواهان ها به دلیل منتظر نماندن در صف طولانی دعاوی در جذب دعاوی در تعداد گسترده به نظام مسئولیت مدنی و دعاوی گروهی موفق بوده اما در مقابل خوانندگان هیچ دلیلی برای ترجیح پرداخت فوری بر تاخیر طولانی ندارند.

ج. مرحله رشد کامل

خصیصه متمایزکننده این مرحله این است که دعاوی اشخاصی که در اثر کالای مزبور آسیب دیده اند اما در حال حاضر آسیب مزبور رویت نمی شود، با تاکید بر دکترین مسئولیت مدنی (مجموعه ای از قوانین ماهوی که دعاوی دارای مبنای واقعی را از دعاوی ای که محتوا و ماهیت حقوقی کمی دارند یا اصلاً ندارند، متمایز می کند)، ارزش حل و فصل اختلاف را نمایش می دهند. در این مرحله است که دادرسی های مسئولیت مدنی نه تنها فرآیند رسیدگی قضایی را با مشکل مواجه می نماید بلکه به خود حقوق شبه جرم نیز خدشه وارد می نماید.

در فرض مواجهه با عدم مصالحه خوانندگان، وکلای خواهان های دعاوی مسئولیت جمعی گروهی، تنها یک راهکار واقعی برای ترغیب خوانندگان به مصالحه وجود دارد که مزیت بزرگی برای خواهان ها است، این مزیت قدرت و اختیار ایشان برای طرح دعوی نزد محاکم قضایی است. در واقع در صورت نزدیک شدن به تاریخ دادرسی، شرایط برای حل و فصل جمعی آماده می شود. اگر اینها تمام چیزی بود که در مرحله پسا رشد رخ می داد، دلیل کمتری برای نگرانی وجود داشته و مبنای محدودی برای تمایز شدید میان این مرحله با مرحله رشد وجود داشت. حل و فصل جمعی شرایط بن بست که ذکر شد را حداقل به صورت فوری و موقت تعدیل کرده و در نتیجه دکترین مسئولیت مدنی تحت تاثیر اهداف و امید خوانندگان برای حل دعاوی خدشه دار نخواهد شد. اما مسئله فراتر از اینهاست.

صفوف طولانی دادرسی محدودیتی نیست که کاملاً خارج از حیطه کنترل مشاوران حقوقی خواهان های دعاوی مسئولیت مدنی باشد. بلکه، وکلای خواهان ها می توانند با افزایش تعداد دعاوی که در نوبت رسیدگی دادگاه دارند، احتمال جلو انداختن تاریخ رسیدگی دادگاه را تحت تاثیر قرار دهند. حيله مزبور افزایش درصد دعاوی فرعی و انحرافی در صف دعاوی مسئولیت مدنی و در نتیجه افزایش احتمال آنکه یکی از تاریخ های دادرسی پیش رو به یکی از دعاوی مزبور تعلق گیرد، است. انگیزه

استراتژیک مشاوران حقوقی خواهان ها با انگیزه اقتصادی ایشان که عبارت است از طرح کردن فوری تعداد هر چه بیشتر دعاوی جهت توزیع هزینه اقدامات اولیه شان برای اثبات مسؤولیت خواندگان، گره خورده است.

نکته اساسی آن است که تمامی دعاوی مسؤولیت جمعی گروهی از جهت محتوا و ماهیت شبیه هم نیستند. بر خلاف مرحله دادرسی پیش از رشد، مشاوران حقوقی خواهان ها دلایل کافی برای پیش راندن تمامی دعاوی نه صرفاً دعاوی اشخاصی که در حال حاضر آسیب دیده اند بلکه دعاوی اشخاصی نیز که صرفاً در معرض کالای مزبور بوده اند اما در حال حاضر آسیب دیده نیستند و ممکن است هرگز هم آسیب نبینند. به طور خلاصه، خطر آن است که مهمترین و با ارزش ترین دعاوی که به صورت بالقوه احتمال عواقب مخرب برای خواندگان دارند را به دادگاه برده مگر آنکه دعاوی اشخاصی که در معرض کالای مزبور بوده اما آسیب ندیده اند نیز در حل و فصل جمعی گنجانده شوند. تمایل برخی از محاکم به تجمیع و یکی کردن تعداد انبوهی از دعاوی اشخاص در برابر اعتراضات خواندگان، بر ارزش دعاوی اقامه شده از سوی اشخاصی که در معرض استفاده از کالا بوده اما آسیب ندیده اند می افزاید. همان طور که شاک^۱ بیان داشته، نتیجه این مسئله آن است که دعاوی مسؤولیت جمعی گروهی و حل و فصل اختلافات ناشی از شبه جرم های گسترده، تعداد انبوهی از دعاوی ای را جذب و مطرح می نمایند که غیر ضروری و بدون ماهیت و محتوا هستند یا همانطور که یکی از وکلای با تجربه خواهان های این دعاوی ابراز داشته، **بنجل** و بی ارزش هستند.

۳. چالش های مسؤولیت جمعی

چالش های استفاده از مسؤولیت جمعی تولید کننده شامل (۱) چالش های استفاده از مسؤولیت جمعی از منظر اقتصادی قضایی و (۲) چالش های استفاده از مسؤولیت جمعی از منظر عدالت قضایی.

۳.۱. چالش های استفاده از مسؤولیت جمعی از منظر اقتصادی قضایی

۳.۱.۱. هزینه بالای رسیدگی و طولانی بودن مدت

مشکل متعارف مربوط به دعاوی شبه جرم این است که هزینه های آن زیاد و زمان آن طولانی است. برای مثال در یک گزارش اعلام شده است که "پرونده ها برای تحقق نتیجه زمان نامتعارفی را صرف می کنند و گاهی مدت ها بعد از مرگ شاکی به نتیجه می رسند و هزینه های معاملاتی بسیار زیاد است، بسیار بیشتر از مقدار پرداختی در جبران خسارت" همانطور که در بالا نشان داده شد، چنین ادعایی باید در سیاق هزینه و تاخیر در دعاوی معمولی قرار گیرد. در دعاوی شبه جرم جمعی،

^۱. Schuck

عامل اصلی در هزینه‌ها تکرار به ظاهر غیرضروری کشف، اقدامات پیش از محاکمه و محاکمه در مواردی که مسائل مشابه دارد، است. اطلاعات دقیق درباره هزینه و تاخیر اغفال کننده است. زمان قانونگذاری در صلاحیت اغلب در دعوای شبه جرم مشکل ساز است و دادگاه در یافتن راه حلی که برای همه طرفین عادلانه باشد و تعقیب سطح بلوغ دعوای با مشکل مواجهه می‌شود. شاکیان عموماً به قضاوت سریع تمایل دارند و تاخیر برای آن‌ها مضر است. متهمان ممکن است از تاخیر مرتبط با ادعاهای نا تمام از صلاحیت‌های مشکوک فرایند جزئی پرهزینه و پرتاخیر قبل از توجه به صلاحیت آسیب ببینند. آزمایش‌های اولیه از پرونده‌های فردی ممکن است به راه حل برسد اما چنین پرونده‌هایی ممکن است غیرمعمول باشد زیرا فایده کشف جامع مندرج در روند چند بخشی را ندارد. امتحان پرونده‌های پیش‌آهنگ ممکن است در مشکل شناسایی ادعاهای معمولی یافت شود. از سوی دیگر، محاکمه جمعی ادعای شبه جرم جمعی نابالغ ممکن است هیئت منصفه را به نفع شاکیان حداقل در مسئله مسئولیت، تحت تاثیر قرار دهد.

۱.۳. افزایش شکایت‌ها در زمینه مسئولیت مدنی تولید کنندگان

دعوای شبه جرم جمعی با یک مشکل منحصر به فرد مواجهه است. اپیدمیولوژیست‌ها اغلب با دلایل معقول قادر به پیش‌بینی هستند که برخی اشخاص در گروه خاص به دلیل قرار گرفتن قبلی در معرض محصول یا ماده خاصی به بیماری دچار می‌شوند. با اطمینان نمی‌دانیم که چه افرادی به بیماری مبتلا می‌شوند و چه تعداد از این افراد هنگامی که بیماری آنان آشکار شود، شکایت می‌کنند. برخلاف تصادف آینده اتومبیل یا ضرب و جرح، مباحث صدمات آینده داری محدودی برای جبران خسارت قربانیان دارد. چگونگی مدیریت رقابت حاضر و ادعای آینده بر چنین داری‌ها منجر به مشکلات پیچیده شد شامل پیش‌بینی نرخ ادعا و برنامه ریزی مالی برای ذخیره بودجه مدعیان آینده. روش سنتی جمعی برای حل دعوای نظیر عمل مستقل و تعیین زمان محدود برای پرکردن ادعای ورشکستگی، مناسب ادعای نهان نیست (کافی^۱، ۲۰۰۰) مشکل عمده با ادعای آینده چالش بر آگاه ساختن کسانی است که از مدعی بالقوه بودن خود اطلاعی ندارند.

۲.۳. چالش‌های استفاده از مسئولیت جمعی از منظر عدالت قضایی

در این جا، دو نوع چالش اساسی مطرح است: اول تحمیل فشار به دادگاه جهت صدور حکم به جبران خسارت؛ دوم عدم امکان خروج خواهان‌ها از رسیدگی از اقامه دعوای جداگانه.

^۱. Coffee

۲.۳. تحمیل فشار به دادگاه جهت صدور حکم به جبران خسارت

حال نقطه بهتر برای بررسی مشکلات در دادخواهی شبه جرم معطوف به باری است که چنین پرونده هایی به قضات و دادگاه تحمیل می کنند. به عنوان مثال، قاضی رابرت پارکر گزارش می دهد محاکمه ای که وی ریاست آن را برعهده داشت ۱۳۳ روز به طول انجامید و ۲۵،۳۴۸ صفحه از متن آماده به عنوان کپی روزانه تولید شد. ورق ثبت دعاوی حقوقی ۵۲۹ صفحه دارد. دادگاه ۳۷۳ سفارش امضا وارد کرد. از سوی دیگر، کنترل ۲،۲۹۸ پرونده به صورت جداگانه با تخمین رسیدگی به سی پرونده در هر ماه، شش سال و نیم طول خواهد کشید که در این زمان ۵۰۰۰ پرونده جدید پر می شود.

۲.۳. عدم امکان خروج خواهان ها از رسیدگی و اقامه دعاوی جداگانه

رسیدگی انعطاف پذیر دعاوی جمعی مبتنی بر ادعای موخر هیچ پایان طبیعی ندارد. فقدان نتیجه مناسب نتیجه فرعی تاخیر دعوا است. خواننده نمی تواند همه مسؤولیت های یک خواهان حتی تائب را جمع کند، قیمت عادلانه بپردازد و دادرسی را خاتمه دهد. حتی با تلاش در شناسایی ورشکستگی، آنچه بیشتر شرکت ها به دنبال رهایی از آن هستند، خوانندگان متحد راه قابل اعتماد برای تحقق صلح ندارند.

۴. راهکارها

راهکارهای قانونی حل مشکلات موجود عبارتند از تنظیم قواعد مربوط به مسؤولیت های جمعی تولیدکننده و تدوین منشور اخلاق حرفه ای وکلا و قضات که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

الف. تنظیم قواعد مربوط به مسؤولیت های جمعی تولیدکننده

مسئله مهمترین سوال در رسیدگی به پرونده های رسیدگی جمعی شامل این میشود که آیا باید این پرونده ها را ادغام کرد یا خیر و اگر بله، چه زمانی. مفسرین متفاوت نظریات مختلفی در مورد ادغام یا عدم آن، زمان ادغام و اینکه پرونده ها با چه هدفی باید ادغام شوند ابراز نموده اند. البته نظریات حقوقدانان در این خصوص متاثر از رویه قضایی نیز بوده است. تجربیات اخیر در مورد پرونده های اسبتوزیز(نوعی بیماری ریوی که تدریجا ایجاد می شود) نمره بالایی برای ادغام تعیین کرده اند چرا که دادگاه ها به طور فردی عموماً تصمیم گرفتند تا پرونده های موجود در منطقه ی خود را یکی کرده و به قاضی واحدی تفویض کنند(نیوکام،^۱ ۱۹۹۶).

در پرونده های صدمات ناشی از فشار تدریجی (که نهایتاً بر صدماتی که ادعا میشود بر اثر استفاده از صفحه کلید رایانه ایجاد شده است تمرکز کرد) خوانندگان با یکی کردن پرونده های مناطق مختلف

¹. Newcombe

«به شدت مخالفت کردند.» و کادر قضایی با انتقال پرونده ها مخالفت نمود. دادگاه های مجزا در هفت منطقه صلاحیتی با صدور رای یا حکم از این نظر دفاع کردند. این خروجی ها، طبق نظر یکی از مفسرین که در طرف مدافع این رسیدگی ها بود، به کاهش قابل توجهی در ادعاهای مربوط به صفحه کلید رایانه انجامید.

ب. تدوین منشور اخلاق حرفه ای وکلا و قضات

موضوع تهیه پیش نویس آئین قواعد وکلا در مورد موضوعات مورد علاقه فدرال توسط کمیته دائمی قوانین رویه ای مطرح شد. هرچند در مرز تاریخی کمیته مشورتی، پیش نویس قواعد حاکم بر وکلا نشان می دهد، ممکن است خواهان و خواننده در سیاق دعوی جمعی در چارچوب بازنگری کلی از قوانین آئین فدرال در نظر گرفته شود. پرفسور کاری منکل مدو تحلیل خود را درباره وضعیت هنر اخلاق و دعوی جمعی شرح می دهد به طوری که " یک استدلال ساده: قوانین اخلاقی کنونی درباره تعارض منافع، محدودیت رویه، آئین مذاکرات و دادرسی با موضوعات خاص حل و فصل در ذهن تهیه نشده است. به نظر من، راهنمایی کافی درباره چگونگی حل این مسائل باید ارائه شود. طبق نتیجه او " نظام قانونی و قواعد اخلاقی باید با تنش بین آرمان های ما و واقعیت نیاز به عدالت جمعی مقابله کند. "

منکل مدو به وضوح منافع متنوع درگیر در دادرسی دعوی جمعی، تعارض منافع، تبانی کردن و محدودیت رویه که ناشی از دادرسی شبه جرم است را شرح می دهد و پرونده را برای قواعد اخلاقی جدید مستند می کند. در امتداد خطوط مشابه، جودیک رسنیک قواعد و رویه اخلاقی جدید ایجاد کرد که می تواند " نقش وکلا، موکلان و وکلای مختلف اعم از کسانی که در دادگاه حضور دارند یا نه را مشخص کند. " چنین قواعدی نیاز به متحد شدن با تخصیص جایزه هزینه دارد. به دنبال یک موضوع اخلاقی خاص، حل و فصل جمعی، پاول رینگولد، وکیل متخصص دعوی جمعی درمی یابد که " هر وکیلی که رسیدگی دعوی جمعی را مدیریت می کند با پیشنهاداتی از سوی خواننده برای حل و فصل مواردی از پرونده ها در یک زمان مواجهه می شود. " و " هیچ راه حل آماده ای " برای مشکلاتی که به چنین پیشنهادهایی تحمیل می شود، وجود ندارد.

استادان حقوق چالرز سیلور و لین بیکر قواعد جدید حل و فصل جمعی را، مدل قاعده رفتار حرفه ای ۱,۸ تحلیل می کنند و نتیجه می گیرند دلایل شناسایی برای فکر جایگزین افشا و قواعد رضایت ممکن است برای موکلین در موارد دعوی جمعی بهتر کار کند و امکان استفاده از آن ها باید در

دسترس باشد. دیدگاه دانشگاهیان و رویه سازان در شناسایی تنش ایجاد شده با تلاش در اعمال دعوای جمعی برای پرونده تک یا پرونده های کمی طراحی شده است. در نهایت، در اثر مهم که به تعریف حوزه اخلاق و دعوای جمعی کمک می کند، قاضی جک وینستین یک تصویر گسترده از معضلات اخلاقی عمده که که قضات و وکلا در دعوای جمعی با آن مواجهه اند، ترسیم می کند.

هرچند قاضی وینستین، قواعد اخلاقی را به عنوان نوش دارو و یا حتی یک تسکین دهنده برای چنین مشکلاتی نمی بیند. در دیدگاه وی پایبندی شدید به قواعد اخلاقی - حقوقی رسمی منجر به نقض قواعد اولیه اخلاقی می شود. نیاز به یک نظام عملی که در آن نیاز عمومی، طرفین و حقوق در یک تعادل هستند. نظرات فوق به عنوان نقطه شروع برای توجه وکلا به مسائل اخلاقی در دادرسی شبه جرم مطرح شده است.

بحث و نتیجه گیری

بسیاری از اختیاراتی که قاعده ۲۳ به وکلای دعوای جمعی جهت اتخاذ عمل از جانب اعضای دعوای جمعی تفویض می نماید مبتنی بر استقلالی است که اعضای دعوای جمعی می توانستند در ساختار حقوق شبه جرم داشته باشند. این بدان معنا نیست که اعضای دعوای جمعی از اختیار کامل در خصوص دعوای ناشی از شبه جرم برخوردارند یا برعکس هیچ گونه استقلال و اختیاری در هر یک از اشکال دعوای جمعی ندارند. مسئله صرفاً آن است که نمایندگی به موجب قاعده ۲۳ به همان ترتیب حل و فصل های جمعی یا دعوای جمعی، رضایی نیست. بلکه، نمایندگی مزبور در بهترین حالت، نوعی استنتاج از حقوق دعوای جمعی است. این استنتاج در شناخته شده ترین سناریوهای دعوای جمعی تا حدی زیادی قابل دفاع است. زمانی که انتخاب میان طرح یک دعوای جمعی یا عدم اقدام به طور کلی باشد، می توان استنباط نمود که اعضای دعوای جمعی پذیرش خطرات قصور وکلایشان در ازای یک چشم انداز واقعی از دریافت غرامت را انتخاب خواهد نمود یا حتی می توان گفت مترصد دست یافتن به چنین فرصتی هستند. چارلز سیلور و لین بیکر با تشریح این نکته، استدلال می نمایند که قضات می بایست به وکلا اجازه دهند که وارد عمل شده و به حل همان اختلافاتی در دعوای جمعی کمک نمایند که در دعوای گروهی رضایی که در آن ها وکلا به صورت روتین هم به عنوان وکیل مدافع و هم به عنوان^۱ (trustee) عمل می نمایند، اجازه ورود و حل اختلاف را دارند. این استدلال قدرت قابل ملاحظه ای در شناخته شده ترین سناریوهای دعوای جمعی دارد اما در هنگام اعمال بر حوزه هایی

^۱. trustee

چون دعاوی مسئولیت جمعی گروهی که در آن از قبل رژیم برای پرداخت غرامت وجود دارد، جایگاه و اعتبار خود را از دست می دهد.

منابع و مأخذ

- امامی، سید حسن، (۱۳۷۶). حقوق مدنی، تهران: اسلامیه؛ ج هشتم
- ۲. جعفری، لنگرودی، (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جعفری تبار، حسن، (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران، دادگستر.
- خوانساری، (۱۳۷۶)، منیه الطالب فی حاشیه المکاتب، قم، مکتبه المهدی.
- صفایی، سید حسین، (۱۳۵۵). قوععد عمومی قراردادها، تهران، بی تا، چاپ دوم،
- قائم مقامی، عبدالمجید امیری، (۱۳۸۵). حقوق تعهدات، ج ۱، تهران، میزان،
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۹). ضمان قهری، مسئولیت مدنی، دانشگاه تهران
- لوراسا، میشل، (۱۳۷۵). ترجمه محمد اشتری، نشر حقوقدانان، تهران، چاپ اول،
- قاسمی حامد، عباسی، (۸۱-۸۰) جزوه حقوق مدنی تطبیقی، مقاله مروری اجمالی بر نظریه «تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد» از دیدگاه حقوق فرانسه،
- نقیبی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش) نظریه-ی جبران خسارت به حقوق معنوی کودک، بی-چا، تهران، ندای صادق، فصل-نامه-ی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق(ع)،
- Coffee, John C. Class Action Accountability: Reconciling Exit, Voice, and Loyalty in Representative Litigation, 100 COLUM. L. REV. 370 (2000),
- MARCIA ANGELL, SCIENCE ON TRIAL: THE CLASH OF MEDICAL EVIDENCE AND THE LAW IN THE BREAST IMPLANT CASE (1996), 10,
- Nagareda, Richard A. Turning from Tort to Administration, 94 MICH. L. REV. 899, 912 (1996).
- Newcombe, George M. RSI Defendants Fight for Due Process: "Mass Torts" Needn't Always Be Massive, 63 Def. Couns. J. 36, 39 (1996).
- Rosenberg, David The Dusting of America: A Story of Asbestos – Carnage, Cover-Up, and Litigation, 99 HARV. L. REV. 1693, 1696-1701 (1986)
- Rustad, Michael, In Defense of Punitive Damages in Products Liability: Testing Tort Anecdotes with Empirical Data, 78 IOWA L. REV. 1, 40-42 (1992).
- Schuck, Peter H. Mass Torts: An Institutional Evolutionist Perspective, 80 C ORNELL L. REV. 941, 967 (1995),

-
- Vandall, Frank J. The Legal Theory and the Visionaries That Led to the Proposed \$268.5 Billion Tobacco Settlement, 27 SW. U. L. REV. 473, 477-78 (1998).